

موعود آسمانی

سید مهدی شمس الدین

سرشناسه : شمس الدین، سید مهدی، ۱۳۳۷ -
 عنوان و نام پدیدآور : موعود آسمانی / سید مهدی شمس الدین.
 مشخصات نشر : تهران: مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی (متفق)، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۳۶۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۰۰-۲۲-۷
 وضعیت فهرست :
 نویسی : فیبا
 موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
 موضوع : مهدویت -- انتظار
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۸ ۷۶۴ ش / BP ۵۱
 رده بندی دیویی : ۲۹۷ / ۹۵۹
 شماره کتابشناسی :
 ملی : ۲۹۴۰۷۸۱

موعود آسمانی

مولف: سید مهدی شمس الدین
 ناشر: موسسه توسعه فرهنگ قرآنی
 نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲
 چاپ: اعتماد
 تیراژ: ۲۰۰۰
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۰۰-۲۲-۷
 قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

انتشارات شفق

قم: خیابان شهدا کوئ ۲۲

تلفن: ۷۷۴۱۰۲۸ - فاکس: ۷۷۴۴۸۳۶

پست الکترونیک: Shafaghbook@yahoo.com

همه حقوق محفوظ و هرگونه نسخه برداری و اقتباس، بدون مجوز از ناشر ممنوع است.

«فهرست مطالب»

مقدمه	۹
-------------	---

فصل اول

ریشه نور	۱۷
----------------	----

فصل دوم

سیری در زندگانی	۲۷
الف. ولادت	۲۹
ب. دوران کودکی	۳۵
ج. تسمیه در غیبت	۴۲
د. غیبت	۴۶
هـ. خانواده و فرزندان	۵۵
و. محل سکونت	۶۲



فصل سوّم

معرفت و شناخت ۶۹

فصل چهارم

توقعات حضرت ۱۱۷

فصل پنجم

شرف حضور ۱۵۱

فصل ششم

ظهور نور ۱۸۷

فصل هفتم

شبهات و پاسخها ۲۲۵
 شبهه اوّل ۲۲۷
 شبهه دوّم ۲۴۶
 شبهه سوّم ۲۵۳
 شبهه چهارم ۲۵۶
 شبهه پنجم ۲۵۷
 شبهه ششم ۲۶۱
 شبهه هفتم ۲۶۴
 شبهه هشتم ۲۶۹
 شبهه نهم ۲۷۲

۲۷۸	شبهه دهم.
۲۸۰	شبهه یازدهم.
۲۸۲	شبهه دوازدهم.

فصل هشتم

۲۹۱	نکته‌های خواندنی
-----------	------------------

فصل نهم

۳۰۱	راز دل
۳۰۳	۱. دمی با محبوب.
۳۰۴	۲. پیام نور.
۳۰۸	۳. وادی عشق.
۳۰۸	۴. اصالت سند.
۳۲۰	۵. زیباترین فراز.
۳۲۱	۶. سیری سریع!
۳۲۱	۷. ندبه در فصل‌ها.

فصل دهم

۳۲۹	دستورالعمل‌ها.
۳۳۱	دستورالعمل اول، نماز شب.
۳۳۷	دستورالعمل دوم، مداومت بر زیارت عاشوراء.
۳۳۸	دستورالعمل سوم، زیارت جامعه کبیره.
۳۴۰	دستورالعمل چهارم، مسائل مالی و پولی.



- ۳۴۵ دستورالعمل پنجم، اطاعت از علماء.
 ۳۴۷ دستورالعمل ششم، انتظار واقعی.
 ۳۴۹ دستورالعمل هفتم، معرفت تصدیقی به امام.
 ۳۴۹ دستورالعمل هشتم، بندگی و عبودیت محض خدا.
 ۳۵۰ دستورالعمل نهم، وحدت اجتماعی.
 ۳۵۱ دستورالعمل دهم، تواضع و دوری از تکبر.
 ۳۵۱ دستورالعمل یازدهم، احترام و رعایت حال پدر و مادر.
 ۳۵۲ دستورالعمل دوازدهم، رعایت اصول انسان ساز.
 ۳۵۴ دستورالعمل سیزدهم، سجده شکر.
 ۳۵۴ دستورالعمل چهاردهم، اخلاق خوب.
 ۳۵۵ دستورالعمل پانزدهم، عمل به گفتار.
 ۳۵۵ دستورالعمل شانزدهم، ساده زیستی.
 ۳۵۶ دستورالعمل هفدهم، عبادت بسیار.
 ۳۵۶ دستورالعمل هجدهم، عدالت.
 ۳۵۷ دستورالعمل نوزدهم، توصیف یاران.
 ۳۵۸ دستورالعمل بیستم، مردم‌داری.
 ۳۵۸ دستورالعمل بیست و یکم، آفت زدایی.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسول الله وعلى آله الأطيبين.
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي
هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَ
عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

در یکی از نامه‌هایی که وجود مبارک امام زمان (علیه السلام) برای عالم بزرگ و
وارسته شیعه، مرحوم شیخ مفید (رحمه الله) نوشته‌اند؛ به این نکته بسیار مهم اشاره
کرده‌اند، که اگر شیعیان ما سه خصوصیت داشتند، از آنها غایب نبودیم و
سعادت تشرّف به محضر ما را می‌یافتند:

اول اینکه دلهای آنها با هم متحد بود.

دوم اینکه به پیمانی که با ما دارند وفادار می‌ماندند.

و سوم کارهایی که ناخوشایند ماست انجام نمی‌دادند.

در این بیان حضرت چهار نکته‌ی مهم وجود دارد:

اولین مسأله‌ای که مورد توجّه آقا است، اتحاد و یکپارچگی شیعیان و



پرهیز از اختلاف آنها در مسیر صحیح ولایت اهل بیت علیهم السلام است. چون راه اهل بیت مشخص است، و یکرنگی و هماهنگی شیعیان در پیمودن این راه مورد توجه و درخواست حضرت است. در نتیجه شبهه افکنی، بی توجه کردن مردم نسبت به ولایت اهل بیت، سوق دادن مردم به طرف فرهنگ بیگانگان، رواج دادن فرهنگ ابتذال در بین جوانان شیعه و پیروان امام زمان علیه السلام و آماده کردن زمینه دوری از دینداری و ولایت اهل بیت از اموری است که مورد گلایه حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد.

نکته دوم پیمان ولایت است، یعنی به پیمانی که با ما دارند وفادار بمانند. یکی از شرطهای دیدار و درک محضر حضرت این است که به پیمان ایشان وفادار باشند. این پیمان چیست؟ و این پیمان در کجا از مردم گرفته شده؟

در اینجا بحث های مهمی وجود دارد که خلاصه آن وفاداری به عهد و پیمان ولایت است، یعنی اطاعت و حمایت نسبت به اهل بیت که هم در عالم ارواح و اشباح و هم در این عالم از مردم گرفته شده و در آیات مختلفی از قرآن کریم به این عهد و پیمان اشاره شده است.^۱

امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمودند: زمانی که شیعیان ما در عالم ذر بودند، خداوند از آنها نسبت به ولایت ما پیمان گرفت، یعنی خدا از همه مردم، حتی از پیغمبران گذشته پیمان گرفته که سه مسأله را بپذیرند: اول ربوبیت پروردگار، دوم پیامبری آخرین رسول الهی و سوم ولایت اهل بیت.

نکته سوم این است که مردم باید علت اساسی غیبت امام زمان علیه السلام را در خودشان جستجو کنند. علامه بزرگوار حلی در کتاب شرح تجرید الاعتقاد می فرماید: «وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخَرٌ وَ عَدَمُهُ مِنَّا»^۲ وجود

۲. شرح تجرید الاعتقاد، باب امام و حجت.

۱. نساء: ۵۹؛ اعراف: ۱۷۲؛ احزاب: ۷.

امام زمان لطف خدا به ماست یعنی عنایت پروردگار به ما موجب شده که امام زمان وجود داشته باشد و اینکه امام زمان عهده دار امور عالم می باشد هم لطف دیگری از خدا به ماست. اما علت غیبت امام زمان خود ما هستیم، نه خدا و نه امام زمان. در واقع اگر مردم بخواهند امام زمان علیه السلام ظهور کند یا ایشان را ببینند، باید آمادگی آن را در خودشان ایجاد کنند و آنچه که ناپسند حضرت است انجام ندهند؛ زیرا خود حضرت فرمود: علت آنکه مرا نمی بینید آن است که کارهایی که من نمی پسندم انجام می دهید.

نکته چهارم این که امام زمان علیه السلام ناپیدانیست، ناشناس است و حضرت نیز در نامه، شرط دیدار با معرفت و همراه با شناخت را بیان فرمود، یعنی همه ی شما در عمرتان امام زمان علیه السلام را دیده اید. چون او در جامعه تردد دارد و در بازارها، شهرها، مجالس و مراسم ها حضور پیدا می کند. اما برای ما دیدار با معرفت حاصل نشده، یعنی وقتی او را دیده ایم شناخته ایم. پس تشرف به محضر حضرت ممکن است، همانطور که خودشان در این بیان فرمودند. هم امکان دیدار وجود دارد و هم راه آن در دسترس است، ولی مهم دیدار همراه با معرفت و شناخت است و تشرف هایی هم که ایجاد می شود در همین زمینه است.

در کتابی به نام «عبرئ الحسنان» نوشته شده که روزی پدر آیت الله العظمی خوئی از نجف به شهر حله - یکی از شهرهای عراق - رفت. هنگام عبور از بازار شهر حله جایی شبیه به مسجد دید که گنبد داشت و سردر آنجا نوشته شده بود: «هذا مقام صاحب الزمان» اینجا جایگاه امام زمان علیه السلام است. ایشان از مردم بازار آن اطراف سؤال کرد اینجا چه فلسفه ای دارد؟ جایگاه امام زمان یعنی چه؟ گفتند: در سال های قبل اینجا خانه شخصی به نام شیخ علی بوده که از دوستان و علاقه مندان و



شیفتگان امام زمان علیه السلام بود و همیشه در انتظار ظهور حضرت به سر می‌برد، توسلات و گریه و راز و نیازی داشت. کارش به جایی رسیده بود که در فراغ امام زمان، به حضرت عتاب و خطاب می‌کرد. در توسلات و گریه و زاری‌های خود می‌گفت: ای امام زمان! تا کی می‌خواهی غائب باشی؟ چرا نمی‌آیی؟ چرا ظهور نمی‌کنی؟ اگر منتظر یار و یاور هستی در عالم این همه یار و یاور داری. حتی در شهر کوچک حله ما، حداقل هزار نفر شیعه خالص داری که حاضرند در راه شما شمشیر بزنند و فداکاری کنند.

روزی از شدت بی‌تابی و نگرانی و ناراحتی از شهر بیرون رفت. در بیابان‌های خلوت اطراف شهر، به ناله و گریه برای امام زمان و خطاب و عتاب ایشان پرداخت. ناگهان آقای بزرگواری به شکل عرب‌ها در کنارش حاضر شد و فرمود: ای شیخ چه می‌خواهی؟ اینجا به دنبال چه چیزی ناله و آه و فریاد می‌کنی؟ شیخ علی گفت: به دنبال امام زمانم می‌گردم. مرد عرب فرمود: من امام زمان تو هستم. به دست و پای آقا افتاد و همان حرف‌هایی را که قبلاً به حضرت می‌زد به خود ایشان گفت؛ شما این همه یار و یاور دارید. چرا ظهور نمی‌کنید؟ حضرت فرمود: من اگر سیصد و سیزده یار خالص واقعی داشته باشم ظهور می‌کنم. شیخ گفت: آقا! شما در شهر ما که یک شهر کوچکی از این کره خاکی است هزار نفر شمشیرزن خالص دارید. سیصد و سیزده نفر کجا؟ فرمودند: آیا تو مطمئن هستی؟ عرض کرد: بله آقا. حضرت فرمود: بسیار خوب، همین شب جمعه چند نفر از خالص‌ترین آنها را به خانه‌ات دعوت کن، خودت و فلان قصاب هم باشید و دو گوسفند با خود بیاورید و روی پشت بام با طنابی ببندید. من شب جمعه به خانه می‌آیم. بعد متوجه شد



حضرت نیست، خیلی خوشحال شد و با عجله سراغ آن قصاب آمد و گفت: آقا، من و تو را مأمور کرده تا خالص ترین افراد شهر را جمع کنیم. به بحث و بررسی پرداختند و چهل نفر از آن افراد خوب و خالص شهر را انتخاب و برای شب جمعه به منزل شیخ دعوت کردند و دو گوسفند هم گرفتند و روی پشت بام با طنابی بستند. خود شیخ و قصاب هم آمدند و همه در انتظار آقا بودند.

رأس یک ساعت مشخص دیدند که یک نوری تمام فضای شهر را گرفت و این نور به پشت بام این خانه منتقل شد بعد از چند لحظه صدایی از روی پشت بام، آن مرد قصاب را صدا زد و گفت: بیا بالا. مرد قصاب از پله ها روی پشت بام رفت و خدمت حضرت رسید. پس از چند دقیقه حضرت به قصاب فرمود که یکی از این گوسفندها را سر ببرید و خونش را از این ناودان به داخل حیاط بریزید. او نیز چنین کرد. افرادی که در حیاط نشسته بودند و از وجود گوسفندها خبر نداشتند، گفتند امام زمان قصاب را سر ببرید. معلوم می شود که این چند دقیقه او را محاکمه می کرده! بعد از چند دقیقه دیگر حضرت شیخ علی را صدا زدند و شیخ خدمت ایشان رسید و دید قصاب آنجا نشسته و یکی از گوسفندان ذبح شده. چند دقیقه ای نشست، حضرت به قصاب فرمود که گوسفند دوم را هم سر ببرد و خون آنرا هم در حیاط بریزد. او نیز همین کار را انجام داد. افرادی که در حیاط بودند، گفتند که امام شیخ را هم کشت. معلوم است این شیخ هم آدم خوبی نبوده و مشکل داشته. بعد با هم مشورتی کردند و گفتند که این دو خوب ترین های شهر ما بودند. وقتی حضرت اینها را کشت، معلوم است ما را هم خواهد کشت. پس ما اهلش نیستیم. بی سرو صدا همه فرار کردند. بعد از مدتی، حضرت به شیخ فرمودند: به حیاط



برو و بگو همه به پشت بام بیایند. شیخ به حیاط آمد و دید هیچ کس آنجا نیست. برگشت و خدمت حضرت عرض کرد: آقا! کسی در حیاط نیست. امام فرمودند: ما می دانستیم، خواستیم به شما نشان دهیم که اینها آماده ی آمدن ما نیستند. این کسانی که خودشان می دانند کارهایشان مورد رضایت ما نیست و لذا می ترسند که کشته شوند یا اگر مورد رضایت هستند از کشته شدن نگران اند، آیا اینگونه می خواهند یا امام زمان باشند؟! بعد فرمودند: ای شیخ! اگر سیصد و سیزده نفر یار داشتم می آمدم و سپس ناپدید شدند. بعد از این واقعه شیخ در این مکان گنبدی ساخت و محل زیارت مردم شد.^۱

در این موضوع داستان ها و قضایای زیادی وجود دارد و حاصل همه آنها اینکه دیدار همراه با شناخت آن حضرت قطعاً امکان پذیر است و در زمان های گذشته و زمان حال، بزرگان زیادی خدمت حضرت رسیده اند و با حضرت صحبت کرده اند، بنابراین تشرف به محضر حضرت ممکن است و حضرت ناشناسند، نه ناپیدا. اما اینکه بعضی افراد می گویند در زمان غیبت نمی شود امام زمان را دید، سخن صحیحی نیست و ادله فراوانی وجود دارد بر اینکه می توان امام زمان را دید و شناخت.

اما متأسفانه علیرغم اعتقادات صحیح و کاملی که نسبت به امام عصر داریم، اما برای بسیاری از این مسائل دلیل کافی نداریم و قادر به اثبات آنها نیستیم. اگر از ما سؤال شود یا شبهه ای راجع به امام زمان مطرح گردد در حالی که می دانیم غلط است، اما نمی توانیم پاسخ دهیم ولی اگر ما بطور کامل مسائل مربوط به آن حضرت را بدانیم و آگاهی و شناخت کامل داشته باشیم، هم می توانیم در این زمینه پاسخگوی شبهات باشیم و

هم بسیاری از نگرانی‌ها، یأس‌ها، اضطراب‌ها، بی‌انگیزگی‌ها، دلزدگی‌ها و سرخوردگی‌ها، ترس‌ها و سازش‌ها و تملق‌ها و ناآرامی‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی و بسیاری از مسائل دیگر را حل کنیم. هر چه اعتقاد با دلیل و مدرک و برهان ما نسبت به امام عصر علیه السلام کمتر باشد، یأس و ناامیدی و اضطراب و سستی و ... در ما بیشتر می‌شود و هر چه اعتقاد مستدل ما نسبت به امام عصر علیه السلام بیشتر باشد، اینگونه مسائل در ما کمتر خواهد بود و امید و نشاط و سرزندگی ما بیشتر می‌شود.

کشور ما هشت سال در یک جنگ تحمیلی نابرابر و ناعادلانه در مقابل دشمنان اسلام ایستادگی کرد و لطف و عنایت حضرت ولی عصر علیه السلام در قضایای عجیب و متعددی به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که برای دیرباورترین انسانها هم یقین حاصل شد که امام زمان هست و با قدرت خود، ما و جنگ را اداره کرده است و با این یقین ترس از دل رزمندگان فرو ریخت؛ زیرا اگر انسان باور کرد که در پس پرده‌ی عالم یک قدرت الهی، حامی شیعیان است حتی در مقابل همه‌ی دشمنان عالم هم نمی‌هراسد و توطئه‌های داخلی و خارجی او را متزلزل نمی‌کند. امیدوارم بحث‌هایی که در این کتاب آمده است موجب شناخت و انس هر چه بیشتر با آن حضرت گردد.

سرفصلهای عمده‌ای که در کتاب حاضر به آنها می‌پردازیم به شرح ذیل می‌باشد:

- | | |
|--------------------|---------------------|
| ۱. ریشه نور | ۲. سیری در زندگانی |
| ۳. معرفت و شناخت | ۴. توقعات |
| ۵. شرف حضور | ۶. ظهور نور |
| ۷. شبهات و پاسخ‌ها | ۸. نکته‌های خواندنی |



۹. راز دل ۱۰. دستور العمل ها

مسلماناً بر هرانسان مسلمان و مومنی لازم و واجب است که در مورد امام زمان خود شناخت داشته باشد و از طریق امام خود به کمال واقعی برسد.

از رسول گرامی اسلام ﷺ روایت شده که «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة^۱»؛ یعنی کسی که عمری در این دنیا زندگی کند ولی نسبت به امام زمان خود آگاهی و شناخت کامل نداشته باشد، این شخص به مرگ جاهلیت قبل از اسلام مرده است و زندگی جاهلی بوده است. از خدای متعال می خواهیم تا زندگی مان، توأم با جهل نباشد و با شناخت و انس با حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) نور معرفت را به زندگی ما بتاباند. امید است با مطالعه این کتاب مباحث کامل و جامعی پیرامون وجود سراسر نور آن حضرت بدست آوریم و ارتباط با آن حضرت چراغ راه ما در زندگی گردد. انشاء الله.

لازم به ذکر است که مباحث این کتاب در جلسات هفتگی مستمر در طول مدت سه سال مطرح شده است. دوستان شرکت کننده در آن جلسات، بعضی از فضلاء محترم حوزه علمیه و تعدادی از تحصیل کرده های دانشگاهی بودند که مباحث مطرح شده را استماع و ثبت نموده و سپس استخراج و مکتوب کردند و در قالب این مجموعه ارائه نموده اند. علت بعضی ناهماهنگی ها در عبارات و بعضاً گفتاری بدون متن به همین جهت است که امید است مورد اغماض قرار گیرد.

سید مهدی شمس الدین